

## بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی (نمونه موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول)

جواد علی بیگی<sup>۱</sup>  
فضیله خانی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه، اهمیت مشارکت مردم و نقش مؤثر آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار روستایی بر کسی پوشیده نیست و روشن است که آنها برای حرکت به سمت توسعه‌های پویا و پایدار که متعلق به نسل‌های امروز و آینده باشد، باید از دسترسی به فواید توسعه، احساس رضایت کنند. در این تحقیق با استفاده از روش اسنادی و میدانی، رابطه مشارکت مردمی و توسعه روستایی در روستاهای نمونه شهرستان‌های سیروان و چرداول - از توابع استان ایلام - بررسی شده است که در آن ۳۱۶ نفر از سرپرستان خانوار، در ۶ روستای نمونه، مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری اطلاعات و شناسایی وضعیت مشارکت در روستاهای نمونه، از تکنیک تکمیل پرسش‌نامه، استفاده شد و برای دستیابی به این هدف، پرسش‌نامه‌ها پس از تهیه و بررسی اعتبار و روایی، در بین افراد نمونه، توزیع و از نتایج آنها برای تأیید یا رد فرضیه‌ها استفاده گردید. اطلاعات گردآوری شده در بخش توصیفی به وسیله نرم‌افزار Excel و در بخش تحلیلی با استفاده از آماره تحلیلی (یومان ویتنی و ویلکا کسون) در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مؤلفه مشارکت‌های سنتی - اجتماعی، تعداد ۵ شاخص، از مجموع ۶ شاخص، رابطه معناداری با توسعه روستایی نداشتند و در مؤلفه‌های مشارکت در امور سیاسی و مشارکت در امور اجرایی (از نوع مشارکت‌های جدید)، به غیر از یک شاخص، در تمامی شاخص‌های دیگر، رابطه معنادار با توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول مشاهده شد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت سنتی، مشارکت سیاسی، مشارکت اجرایی، توسعه روستایی، شهرستان‌های سیروان و چرداول.



## مقدمه

«فقدان پیشرفت در تغییر وضعیت نامناسب محرومان روستایی، علی‌رغم گذشت دهه‌های توسعه، موجب نگرانی کارگزاران و صاحب‌نظران توسعه روستایی شده بود و شکل غالب توسعه با رویکرد نیازهای اساسی مردم محور، به‌طور روزافزونی بر تفکر توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد سایه افکنده بود. در این فرایند، آنها به استراتژی‌هایی روی آوردند که یکی از مهمترین آنها مشارکت مردمی است» (شکوری، ۱۳۷۸: ۱). امروزه ضرورت توسعه و تحول پویا، متوازن و پایا؛ به‌ویژه در نواحی روستایی، بیش از گذشته، ضرورت مشارکت مردمی در کلیه سطوح برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را آشکار ساخته است.

«مشارکت در موارد بسیاری، به عنوان وسیله و ابزاری محوری تلقی می‌شود؛ به این ترتیب، این امکان را به کنشگران خرد می‌دهد تا وارد صحنه‌های کلان تصمیم‌گیری شوند. آینده‌امیدوارکننده، زمانی به وقوع خواهد پیوست که مردم، مشتاق باشند در امر توسعه مشارکت کنند و منابعشان را در مسیر توسعه جامعه خود به کار گیرند؛ از این رو، ضروری است که دولت تلاش کند تا مردم را در همه مراحل پروژه‌های پیشنهادی شرکت دهد» (آگوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۲۷۲).

## بیان مسئله

همزمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه، اهمیت بیشتری یافته است؛ به عبارت دیگر، تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از این جهت است که توسعه، بیش از همه بر انگیزش و یادگیری متکی است و در بهبود و کفایت مستمر توانایی‌های درونی تجلی می‌یابد؛ بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه، به‌طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته خواهد بود. برنامه‌های ملی، مسئولیت مشترک سازمان‌ها و نهادهایی است که بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، هر چه مشارکت مردم عادی و گروه‌های ذی‌نفع؛ از قبیل نهادهای صنفی یا احزاب سیاسی در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد، برنامه‌ریزی آنها معنادارتر است؛ بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی توسعه باید به گونه‌ای طراحی شود که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در کلیه سطوح داشته باشد. مشارکت مورد نظر، تنها به دوره طراحی برنامه مربوط نمی‌شود؛ بلکه همه مراحل مطالعات، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، تأمین منابع، اجرا، نظارت و ارزشیابی را در بر می‌گیرد (مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، ۱۳۸۱: ۲۳۵ - ۲۶۳).

«تجربه برنامه‌ریزی روستایی در ایران نشان می‌دهد با وجود اینکه مردم روستا در بسیاری از فعالیت‌های توسعه در خصوص محیط زندگی خویش شناخت عمیقی دارند، عمدتاً کنار گذاشته شده و حتی فراموش شده‌اند؛ به گونه‌ای که مشارکت آنها در روند تهیه طرح‌های توسعه روستایی، صرفاً

### 1. Agwu.



در گرفتن اطلاعات مورد نیاز طرح‌ها و گاه مشارکت مالی و فیزیکی بوده است. عدم مشارکت و عدم بهره‌گیری لازم از توان علمی و کارشناسی کشور در تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه، باعث نارسایی در محتوای برنامه‌ها و عدم توفیق در اجرای آنها شده است» (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۳).

«در ایران، نهادهای مشارکتی سنتی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی پیشینه‌ای طولانی دارند. شاید بتوان اندیشه تأسیس نهادهای مشارکتی رسمی را در جریان‌های فکری انقلاب مشروطه؛ به‌ویژه در طرح تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی آن دوران ریشه‌یابی کرد» (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱).

«توجه به فرهنگ مشارکت و روح جمعی حاکم بر جوامع روستایی و عشایری استان در گذشته، از عوامل مؤثر در جذب مشارکت و همیاری مردم در شهرستان‌های سیروان و چرداول در ارتباط با فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های روستایی می‌باشد. وجود این ظرفیت‌ها و زمینه‌های بسیار غنی که ریشه در فرهنگ، سنت و اعتقادات مردم این نواحی دارد، شرایط ایجاد مشارکت در امور اجتماعی و عام و نیز مشارکت‌های نوین را فراهم نموده است؛ بنابراین، ضرورت تجدید بنا و بازسازی بنیادی شیوه‌های سنتی مشارکت مردمی، در جهت تقویت مشارکت‌های جدید و امروزی در مناطق تحت مطالعه، احساس می‌شود. کشف و هدایت درست سنت‌ها و روش‌های معمول در میان مردم و توجه به نکات مثبت و فراموش شده شیوه‌های زندگی آنان، باعث به حرکت در آوردن استعداد‌های نهفته افراد در جهت رشد و تکامل شخصیت آنان می‌شود؛ به عبارتی، الگوی سنتی مشارکت در بطن مردم جای دارد و از نیازها و خواسته‌های اصیل آنها سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین، اگر روش‌های سنتی و معمول مردم، نادیده گرفته شود، آنها در مقابل ایده‌های جدید و مشارکت‌های نوین، عکس‌العمل نشان می‌دهند و فرایند مشارکت را با مشکلات جدی مواجه می‌کنند» (فرهادی، ۱۳۶۹: ۴۴-۴۹).

«در مجموع، مردم مناطق مورد مطالعه، با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی خود در سال‌های نه چندان دور و حتی در حال حاضر، از نظام و ترکیبی برخوردارند که باعث می‌شود بتواند یک سری از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به صورت خودجوش و خودگردان اداره کنند؛ چنان‌که کاشت، داشت و برداشت محصول و اموری چون: دامداری، آبیاری به روش سنتی، صنایع دستی، جشن عروسی، مراسم عزا و ... همگی از مکانیزم‌های خودگردان در میان مردم روستایی بوده است» (همتی، ۱۳۸۰: ۶۷). آنچه در این پژوهش مورد توجه است، ارتباط این نوع از مشارکت‌ها (مشارکت‌های سنتی) و مشارکت‌های نوین با سطح توسعه‌یافتگی روستاهای مورد مطالعه است.

### پیشینه تحقیق

فضیله خانی (۱۳۷۵) در رساله دکتری خود تحت عنوان «جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی» به عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی در بازار کار اشاره کرده و میزان مالکیت زمین را مهمترین عامل مؤثر در سطح درآمد خانوار دانسته و از عوامل فردی، سطح سواد زنان، بعد خانوار و



دوره‌های زندگی را ذکر کرده است.

تورج همتی (۱۳۸۰) در طرحی پژوهشی با عنوان «عوامل فرهنگی - اجتماعی در آموزش زیست‌محیطی و موانع مشارکت مردم در حفاظت از محیط‌زیست استان ایلام» نتیجه گرفته است که شرایط جغرافیایی و ساختار اجتماعی - فرهنگی جامعه، در ایجاد و تقویت انگیزه افراد و تصور آنان نسبت به هدفدار بودن و فایده‌مندی طرح‌های زیست‌محیطی و در نهایت همکاری و مشارکت آنها در این طرح‌ها مؤثر می‌باشد.

هادی شاکری کناری (۱۳۸۰) در پایان‌نامه‌اش به بررسی نقش مشارکت مردمی در فرایند توسعه روستایی، با تأکید بر جایگاه جوانان از نظر دولت و مردم در شهرستان بابلسر، از توابع بخش فریدون کنار پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تحقق کامل توسعه روستایی در روستاهای بخش فریدون کنار، منوط به مشارکت ارادی و داوطلبانه جوانان در طرح‌های توسعه روستایی است و توسعه روستایی نیز منوط به ایجاد تشکیلاتی است که حضور مؤثر جوانان را در طرح‌های مذکور تضمین می‌کند.

مهرداد محمدی سلیمانی (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، عوامل جغرافیایی مؤثر بر میزان مشارکت جوانان و نوجوانان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه در شهرستان کرمان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که جوانان و نوجوانان روستایی برای سهیم شدن و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مشتاق هستند؛ اما کمبود امکانات و تسهیلات لازم، باعث شده است که آنها سهم اندکی در چنین فعالیت‌هایی داشته باشند.

کاظم رستمی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، نقش مشارکت مردمی در توسعه روستایی با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید را در محدوده جغرافیایی بخش فلارد شهرستان لردگان، مورد بحث قرار داده و با طرح این سؤال که آیا تفاوتی در میزان مشارکت روستاییان در گذشته و حال وجود دارد یا نه؟ به این نتیجه رسیده است که هر چند بین مشارکت سنتی و جدید روستاییان در بخش فلارد، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ ولی تفاوت در مصادیق مشارکت سنتی و جدید، چشمگیر است.

مطیعی لنگرودی و دیگران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند» نتیجه گرفته‌اند که در منطقه مورد مطالعه، با وجود ظرفیت‌ها و زمینه‌های مشارکت در توسعه روستایی، موانع و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر سر راه مشارکت پویا و فعال وجود دارد که رفع هر کدام از آنها مستلزم به کارگیری راهکارها و برنامه‌ریزی‌های منطبق با توانمندی‌های موجود در ناحیه روستایی مورد نظر است.

## اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه مشارکت مردمی (سنتی و جدید) و توسعه روستایی در شهرستان‌های سیروان و چرداول می‌باشد. پیرامون این هدف کلی، اهدافی جزئی‌تر به شرح ذیل،

قابل بررسی است:

۱. بررسی رابطه مشارکت‌های سنتی-اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و توسعه روستاهای مورد

مطالعه؛

۲. بررسی رابطه مشارکت‌های سیاسی و توسعه روستاهای مورد مطالعه؛

۳. بررسی رابطه مشارکت‌های خدماتی و توسعه روستاهای مورد مطالعه.

### محدوده مورد مطالعه

شهرستان‌های سیروان و چرداول با وسعت ۲۲۳۵ کیلومتر مربع، در شمال شرقی استان ایلام قرار دارند (شکل شماره ۱). بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۹۰، جمعیت این دو شهرستان ۷۲ هزار و ۱۶۷ نفر بوده است که از این تعداد، حدود ۲۹ درصد در نقاط شهری و ۷۱ درصد در نقاط روستایی و عشایری سکونت داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در مهرماه سال ۱۳۹۱، شهرستان سیروان و چرداول، در تقسیمات کشوری، به دو شهرستان، سیروان و چرداول با مرکزیت سرابله و سیروان با مرکزیت لومار، تقسیم شد؛ سپس در تیر ماه سال ۱۳۹۲ با مصوبه هیأت دولت، سیروان چرداول رسماً، به «چرداول»، تغییر نام یافت (سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام، ۱۳۹۳).

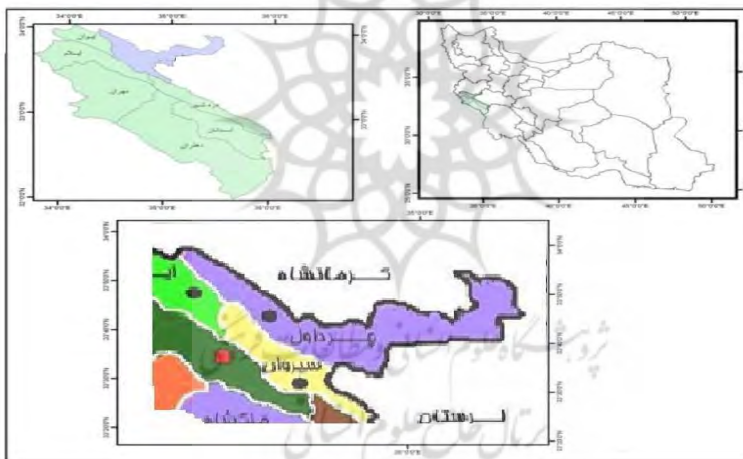
به منظور بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه روستایی مناطق مورد مطالعه، همه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول از نظر برخورداری از شاخص‌های اقتصادی، رفاهی و فرهنگی بررسی شدند که از میان آنها ۶ روستا؛ شامل: سه روستای «شباب»، «زنجیره علیا» و «سرتنگ» با بالاترین امتیاز، به عنوان گروه روستاهای توسعه یافته (بیشتر توسعه یافته) و سه روستای «چشمه خزان»، «چشمه کبود» و «جوب‌دراز میرزاییگی» با کمترین امتیاز، به عنوان گروه روستاهای توسعه نیافته (کمتر توسعه یافته) انتخاب شدند (جدول شماره ۱)؛ سپس با استفاده از گویه‌های موجود در پرسش‌نامه و آماره تحلیلی (یومان ویتنی و ویلکا کسون) این دو گروه از روستاها مورد مقایسه قرار گرفتند تا نتیجه‌گیری شود که آیا رابطه معناداری بین انواع مشارکت‌ها و توسعه یافتگی وجود دارد یا نه؟ به عبارتی دیگر، آیا روستاهای بیشتر توسعه یافته (شباب، زنجیره علیا و سرتنگ) نسبت به گروه روستاهای توسعه نیافته (چشمه خزان، چشمه کبود و جوب‌دراز میرزاییگی) گرایش بیشتری به مشارکت دارند یا نه؟ لازم به ذکر است که دلیل انتخاب این روستاها و دسته‌بندی آنها به دو گروه توسعه یافته و توسعه نیافته، فقط بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه یافتگی مندرج در جدول شماره (۱) است و نه عوامل دیگر:



جدول شماره (۱). درصد فراوانی پرسش نامه‌های توزیع شده در روستاهای نمونه

گروه	روستاهای نمونه	دهستان	تعداد خانوار	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
بیشتر توسعه یافته	شباب	شباب	۹۴۹	۱۲۳	۳۸/۰۴	۳۸/۰۴
	زنجیره علیا	شباب	۷۰۹	۹۴	۳۰/۷۹	۶۸/۸۴
	شهرک سرتنگ	زنگوان	۲۶۴	۳۷	۱۲/۳۱	۸۱/۱۶
کمتر توسعه یافته	چشمه خزانه	کارزان	۱۸۳	۲۶	۸/۳۳	۸۹/۵۰
	جوب دراز	کارزان	۱۵۷	۲۴	۶/۸۸	۹۶/۳۸
	چشمه پهن	کارزان	۸۷	۱۲	۳/۶۲	۱۰۰
کل			۲۳۴۹	۳۱۶	۰/۱۰۰	

منبع: پژوهش‌های میدانی نگارندگان (۱۳۹۱)



شکل شماره (۱). نقشه موقعیت شهرستان‌های مورد مطالعه در کشور و استان، ۱۳۹۲  
منبع: مرکز GIS سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام (۱۳۹۲)

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش، از نوع توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. به منظور مطالعه و تحلیل وضعیت مشارکت در شهرستان‌های مورد مطالعه، از آماره تحلیلی (یومان‌پتنی و ویلکاکسون) استفاده شده است. پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع و اطلاعات موجود، روستاهای نمونه، بر اساس سطوح توسعه‌یافتگی مشخص شدند. شهرستان‌های سیروان و چرداول ۱۹۲ روستا دارند که از میان آنها ۶ روستا شامل: سه روستای توسعه‌یافته (بیشتر

توسعه یافته) و سه روستای توسعه نیافته (کمتر توسعه یافته) به عنوان نمونه، جهت مقایسه برگزیده شدند. معیار توسعه یافتگی روستاها، اطلاعات آماری مستخرج از نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، شناسنامه آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ در زمینه شاخص‌های اقتصادی، رفاهی و اجتماعی بوده است. در بعضی از شاخص‌هایی که از سوی مرکز آمار - در این سال - هنوز اعلام نشده بود، از آمار سال ۱۳۸۵ استفاده گردید که به هر کدام از این شاخص‌ها امتیازاتی داده شد (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲). میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه روستایی

شاخص‌های توسعه	شیاب	زنجره‌علیا	شهرک سرتنگ	چشمه‌خزانه	جوب‌دراز	چشمه‌پهن
جمعیت	۳۸۰۱	۲۷۰۹	۹۸۸	۷۹۷	۶۴۵	۳۲۶
خانوار	۹۴۹	۷۰۹	۲۶۴	۱۸۳	۱۵۷	۸۷
درصد باسوادی	۷۱/۴۵	۷۲/۶۵	۶۳/۲۸	۶۳/۲۴	۶۸/۱۷	۷۱/۸۸
درصد اشتغال	۸۸	۸۰	۷۸	۶۸	۶۵	۶۹
مرکز خدمات روستایی	۱	۰	۰	۰	۰	۰
شرکت تعاونی	۱	۱	۱	۱	۰	۰
آب لوله‌کشی	۲	۳	۲	۱	۱	۱
نوع راه	۱	۱	۱	۱	۱	۱
برق	۱	۱	۱	۱	۱	۱
خانه بهداشت	۱	۱	۱	۰	۱	۱
تلفن	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تولید گندم (تن)	۴۸۵	۳۱۹	۱۲۵	۱۷۷	۵۲	۸۱
مدرسه ابتدایی	۱	۱	۱	۱	۱	۰
مدرسه راهنمایی	۱	۱	۱	۰	۰	۰
دبیرستان	۱	۱	۱	۰	۰	۰
خرمن کوب	۳۰	۲۵	۲۴	۶	۶	۴
نانوایی	۴	۳	۳	۱	۱	۱
کارگاه تولیدی	۱	۱	۱	۰	۱	۰
شورا	۱	۱	۱	۱	۱	۱

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، شناسنامه آبادی‌ها (۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)



واحد آماری این پژوهش را سرپرستان ۱۷۸۷ خانوار ساکن در روستاهای منتخب شهرستان‌های سیروان و چرداول در سال ۱۳۹۱ تشکیل می‌دهد که از بین آنها ۳۱۶ خانوار با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. در مرحله بعد، بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای، به نسبت تعداد خانوارها در هر روستا، تعداد افراد نمونه مشخص گردید و در نهایت، بر اساس فهرستی که از کل خانوارهای هر روستا تهیه شده بود، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد افراد نمونه در هر روستا مشخص شد.

### سؤال و فرضیه‌های تحقیق

سؤال پژوهش حاضر این است که آیا رابطه‌ای بین مشارکت مردمی (سنتی و جدید) و توسعه روستایی در شهرستان‌های سیروان و چرداول وجود دارد؟ با توجه به سؤال مذکور، فرضیه‌هایی به شرح ذیل مطرح می‌گردد که محور پژوهش واقع می‌شوند:

**فرضیه اول:** بین مشارکت‌های سنتی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بین مشارکت‌های سیاسی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد.

**فرضیه سوم:** بین مشارکت‌های اجرایی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد.

### ادبیات پژوهش

امروزه، مشارکت از بخش‌های اساسی در فرهنگ توسعه به شمار می‌رود و می‌توان گفت «فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن، کشاندن همه مردم در همه مراحل توسعه است. به عقیده یومالل ۱، مشارکت در مفهوم گسترده‌اش، برانگیختن حساسیت مردم و افزایش درک و توان آنان، جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۵)؛ همچنین، مشارکت عبارت است از: «فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود انجام می‌دهند و از طریق آنها به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود شریک می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳) و در واقع، «وسیله‌ای است تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی بر نهادهای رسمی بتوانند بر مشکلات خود فائق آیند؛ یعنی خوداتکا شوند و نیازهای خود را رفع کنند»



(پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

«با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی، به عنوان موضوع اصلی، می توان گفت که مشارکت سیاسی و اجتماعی، مشارکت افراد در گروه های خارج از خانواده، عرصه سیاسی، محیط کار، احزاب، اتحادیه ها و گروه های فشار است. پس انواع مشارکت های داوطلبانه و عضویت گروه های خارج از خانواده و سازمان های سیاسی و گروه های فشار نیز می تواند جزء مشارکت سیاسی افراد محسوب شود» (هلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۲). بنا بر نظر فوکویاما (۱۹۹۹: ۶۵): «افزایش شمار مردم در عضویت نهادهای دینی و برنامه های مذهبی و دینداری نیز از اشکال جدید مشارکت اجتماعی به حساب می آید که در عصر حاضر، به پیش شرطی برای عمومی سازی اعتماد در میان مردم تبدیل شده است».

در توسعه مشارکت روستایی، بر تواناسازی مردم روستا و استفاده از حضور آنان در برنامه ریزی و عمل، تأکید می گردد و به تدریج پذیرفته می شود که در مراحل مختلف برنامه ریزی و اجرای طرح ها و پروژه ها، رایزنی با گروه های بهره ور الزامی است. دیویس<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) بر این باور است: «کسی که در قایق همراه شماست، هرگز سوراخی در آن ایجاد نمی کند» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱). «مشارکت در زمینه توسعه روستایی؛ شامل دخالت دادن مردم در فرایند تصمیم گیری، منافع توسعه، اجرای طرح ها و ارزیابی این گونه طرح ها می شود؛ بنابراین، عناصر عمده نظریه مشارکت واقعی و کارآمد را به شرح زیر بیان می کنند:

(۱) در این نظریه، تصور توسعه باید از پایین به بالا<sup>۳</sup> و بدون هر گونه مدل مسلط بوده و مشارکت مردم باید خودجوش و از پایین باشد؛ (۲) برای خودتکاپی<sup>۴</sup>، به رهایی از توسعه یافتگی وابسته، نیاز است؛ (۳) کنترل محلی<sup>۵</sup> فعالیت های مربوط به طرح های توسعه، باید به وسیله گروه های ذی نفع انجام گیرد؛ (۴) عمل یا کنش جمعی<sup>۶</sup> گروهی که برای حل مسائل و مشکلات پا پیش گذاشته اند، اهمیت می یابد» (اوکلی و مارسدن<sup>۷</sup>، ۱۳۷۰: ۳۳)؛ همچنین، از دو نوع رویکرد مشارکتی «توانمندسازی» و «بسیج» بحث می شود. با توانمندسازی یک جامعه از طریق افزایش ظرفیت مدیریت محلی، افزایش اعتماد در ظرفیت های بومی و افزایش آگاهی عمومی، مشارکت، مردم محور می گردد» (میچنر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸: ۷۴). در نهایت «مشارکت اجتماعی به وسیله سازمان توسعه اقتصادی (OECD، ۱۹۸۵)، به عنوان یکی از اساسی ترین اصول در پروژه های توسعه روستایی معرفی شده است. منابع ارزشمندی که در پروژه ها، در سطح جامعه مورد استفاده قرار می گیرد، ممکن است در شکلی از دانش بومی محلی و

1. Helly
2. Davis
3. Bottom-UP
4. Self-Reliance
5. Local Control
6. Collective Action
7. Oakley & Marsden
8. Michener



درباره شرایط محلی باشد که می‌تواند در حل مشکلات آن محل، مورد استفاده مؤثرتر واقع شود» (لومیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۷۱).

### یافته‌های تحقیق و آزمون فرضیات

از کل جمعیت نمونه پژوهش ۸۴/۵۴ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۵/۳۲ درصد را زنان تشکیل می‌دادند که محل تولد تمامی آنها روستای محل سکونتشان بود و ۸۲/۶۷ درصد از آنها بین ۱۶ تا ۵۵ سال، سن داشتند و ۸۷/۳ درصد از آنها متأهل بودند؛ همچنین ۲۳/۴ درصد از آنها شغل دولتی و ۷۶/۶ درصد، شغل آزاد داشته‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳). سن و مدرک تحصیلی پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد	مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
۱۶-۲۵	۵۹	۱۸/۵۴	پایین‌تر از راهنمایی	۹۴	۲۹/۷
۲۶-۳۵	۸۸	۲۷/۸۲	راهنمایی	۴۴	۱۳/۹
۳۶-۴۵	۸۳	۲۶/۲۰	دیپلم	۸۳	۲۶/۳
۴۶-۵۵	۳۲	۱۰/۰۸	لیسانس	۷۳	۲۳/۱
۵۶ و بیشتر	۵۴	۱۷/۳۳	بالتر از لیسانس	۲۲	۷

منبع: اطلاعات مطالعات میدانی (۱۳۹۱)

**فرضیه اول:** بین مشارکت‌های سنتی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد. بر مبنای اطلاعات به دست آمده، میان روستاهای بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته، از نظر میزان مشارکت سنتی، اختلاف زیادی وجود ندارد و ارتباط معناداری مشاهده نمی‌شود. همانطوری که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌گردد؛ به استثنای شاخص «کاشت، داشت و برداشت»، در میان کل شاخص‌ها، ارتباط معناداری دیده نمی‌شود؛ بر این اساس،  $H_1$  مبنی بر رابطه معناداری مشارکت سنتی و توسعه روستایی تأیید نمی‌شود و  $H_0$  پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه، فرضیه اول، رد می‌گردد (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴). مقایسه انواع مشارکت سنتی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در دو گروه از روستاهای نمونه

گویه‌ها	عنوان گروه	متوسط رتبه	Z	Mann-Whitney	Wilcoxon-w	سطح معناداری
کاشت، داشت و برداشت	A	۱۵۰/۸۶	-۳/۱۱۹	۵۹۳۲/۵۰۰	۳۸۳۱۷/۵۰۰	۰/۰۰۲ **
	B	۱۸۹/۸۱				
حقابله (سهم آب)	A	۱۵۵/۱۲	-۱۰/۳۶۷	۷۰۱۶/۵۰۰	۳۹۴۰۱/۵۰۰	۰/۱۷۲ ns
	B	۱۷۲/۳۳				
تولید صنایع دستی	A	۱۶۱/۲۲	-۱/۲۵۸	۸۱۷۳/۰۰۰	۹۱۳۶/۰۰۰	۰/۲۰۸ ns
	B	۱۴۷/۳۵				
مراسم ازدواج و عزا	A	۱۶۰/۶۵	-۰/۹۱۱	۷۳۲۸/۰۰۰	۹۲۸۱/۰۰۰	۰/۳۶۲ ns
	B	۱۴۹/۶۹				
مراسم مذهبی	A	۱۵۷/۹۲	-۰/۲۳۹	۷۷۲۷/۰۰۰	۴۰۱۱۲/۰۰۰	۰/۸۱۱ ns
	B	۱۶۰/۸۷				
گاوداری چکانه‌ای	A	۱۵۵/۷۶	-۱/۱۰۸	۷۱۷۹/۰۰۰	۳۹۵۶۴/۰۰۰	۰/۱۷۹ ns
	B	۱۶۹/۷۱				
واره	A	۱۵۵/۴۳	-۱/۳۸۶	۷۰۹۳/۵۰۰	۳۹۴۷۸/۵۰۰	۰/۱۶۶ ns
	B	۱۷۱/۰۹				

A: روستاهای بیشتر توسعه یافته B: روستاهای کمتر توسعه یافته \* معناداری در سطح ۰/۰۵

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۰ NS: عدم معناداری.

منبع: بر اساس یافته‌های پژوهش (۱۳۹۱)

**فرضیه دوم:** بین مشارکت‌های سیاسی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد.

نتایج حاصل از تحقیق، حاکی از آن است که بین میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در روستاهای بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته در دو شاخص انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی، تفاوت معناداری به نفع گروه روستاهای بیشتر توسعه یافته وجود دارد و در شاخص «انتخابات شوراهای اسلامی روستا» ارتباط، معنادار نیست یا معناداری آن ضعیف است؛ بر این اساس،



H1 مبنی بر رابطه معناداری مشارکت سیاسی و توسعه روستایی تأیید می‌شود و H0 پذیرفته نمی‌شود؛ در نتیجه، فرضیه دوم، تأیید می‌گردد (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵). مقایسه انواع مشارکت سیاسی (انتخابات) در دو گروه از روستاهای نمونه

گویه‌ها	عنوان گروه	متوسط رتبه	Z	Mann-Whitney	Wilcoxon w	سطح معناداری
ریاست جمهوری	A	۱۶۹/۸۹	-۳/۱۱۹	۴۸۳۵/۰۰۰	۶۸۱۱/۵۰۰	۰/۰۰۰**
	B	۱۰۹/۴۸				
مجلس شورای اسلامی	A	۱۷۰/۴۷	-۱۰/۳۶۷	۴۸۳۳/۵۰۰	۶۷۸۶/۵۰۰	۰/۰۰۰**
	B	۱۰۹/۴۶				
شورای اسلامی روستا	A	۱۵۴/۳۲	-۱/۷۱۵	۶۸۱۱/۵۰۰	۳۹۱۹۶/۵۰۰	۰/۰۸۶ ns
	B	۱۷۵/۶۴				

A: روستاهای بیشتر توسعه یافته B: روستاهای کمتر توسعه یافته \* معناداری در سطح ۰/۰۵

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۰ ns: عدم معناداری

منبع: بر اساس یافته‌های پژوهش (۱۳۹۱)

**فرضیه سوم:** بین مشارکت‌های اجرایی پاسخگویان و توسعه روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول، ارتباطی معنادار وجود دارد.

با توجه به نتایج حاصل از آماره تحلیلی ذیل، مقایسه میانگین‌ها در ۶ روستای نمونه، در مولفه «مشارکت در امور اجرایی»، مبین آن است که میزان مشارکت در گروه روستاهای بیشتر توسعه یافته به مراتب، بالاتر از روستاهای کمتر توسعه یافته است و بین میزان مشارکت، تفاوت معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، فرضیه H1 مبنی بر رابطه معناداری مشارکت در امور اجرایی و توسعه روستایی تأیید می‌شود و H0 پذیرفته نمی‌شود؛ در نتیجه، فرضیه سوم، تأیید می‌گردد (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶). مقایسه انواع مشارکت در امور اجرایی در دو گروه از روستاهای نمونه

گویمه‌ها	عنوان گروه	متوسط رتبه	Z	Mann-Whitney	Wilcoxon w	سطح معناداری
ساخت بناهای عمومی	A	۱۶۷/۶۶	-۳/۷۹۲	۵۵۷۷/۵۰۰	۷۵۰۰/۵۰۰	* ** /۰۰۰۰
	B	۱۲۰/۹۸				
ایجاد خدمات زیربنایی	A	۱۶۷/۵۸	-۳/۷۴۲	۵۵۶۷/۵۰۰	۷۵۲۰/۵۰۰	* ** /۰۰۰۰
	B	۱۲۱/۳۰				
حل مشکلات بهداشتی و درمانی	A	۱۶۴/۷۸	-۲/۵۷۳	۶۲۷۹/۵۰۰	۸۲۳۲/۵۰۰	* ** /۰۰۰۰
	B	۱۳۲/۷۸				

A: روستاهای بیشتر توسعه یافته B: روستاهای کمتر توسعه یافته \* معناداری در سطح ۰/۰۵

\*\* معناداری در سطح ۰/۰

منبع: بر اساس یافته‌های پژوهش (۱۳۹۱)

## بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، درجه مشارکت مردم در ابعاد مختلف در دو گروه از روستاها بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که به طور کلی، روستاهای توسعه یافته، مشارکت بیشتری در مؤلفه‌های مشارکت سیاسی و مشارکت اجرایی نسبت به روستاهای کمتر توسعه یافته داشته‌اند؛ همچنین، گروه روستاهای بیشتر توسعه یافته (توسعه یافته) در مشارکت‌های به سبک جدید، دارای میانگین رتبه‌ای بیشتری نسبت به روستاهای کمتر توسعه یافته بوده‌اند؛ اما اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه از روستاها در مؤلفه مشارکت سنتی مشاهده نشد؛ فقط در شاخص «کاشت، داشت و برداشت محصول» رابطه معناداری با توسعه روستایی، به نفع گروه روستاهای کمتر توسعه یافته (توسعه نیافته) مشاهده گردید. در این رابطه، می‌توان گفت که مشارکت‌های سنتی دیگر در حال حاضر، پاسخگوی توسعه یافتگی روستایی به سبک جدید نیستند؛ هرچند این مشارکت‌ها در گذشته، تأثیر بسزایی در بهبود معیشت خانوارهای روستایی ایفا می‌کردند؛ ولی اکنون که ساز و کارهای توسعه به سبک جدید، بسیار پیشرفته‌تر هستند، نمی‌توان انتظار داشت که مشارکت‌های سنتی، بتوانند اقلام سرمایه‌ای روستاییان را برآورده کنند و سرمایه‌های هنگفتی نصیب خانوارها نمایند یا نیازهای آموزشی، فرهنگی و غیره را تأمین کنند؛ در نتیجه، نباید زیاد انتظار داشت که روستاهای بیشتر توسعه یافته، مشارکت سنتی بالایی داشته باشند؛ زیرا خانوارهای این جوامع، به سمت مشارکت‌های جدید گرایش پیدا کرده‌اند؛ حتی در بعضی موارد



چنان که مشاهده شد - مثلاً شاخص «کاشت، داشت و برداشت محصول» که رابطه معناداری وجود دارد؛ این رابطه به نفع گروه روستاهای توسعه نیافته بوده است تا توسعه یافته که دلیلی بر ادعای این تحلیل است.

وضعیت نتایج فرضیه دوم، بر خلاف نتایج فرضیه اول، تا حد قابل توجهی متفاوت است؛ به طوری که در دو شاخص «انتخابات مجلس شورای اسلامی» و «انتخابات ریاست جمهوری» رابطه معناداری مشاهده می شود. این نتیجه، قابل انتظار است؛ چرا که روستاهای بیشتر توسعه یافته، به علت تمکین مالی و سرمایه ای و نیز دسترسی به اطلاعات بیشتر، به جامعه پیشرفته، شباهت بیشتری دارند و دارای گرایش های سیاسی بالاتری نسبت به گروه روستاهای کمتر توسعه یافته (توسعه نیافته) هستند و به اختیارات و قدرت نمایندگان مجلس و رئیس جمهور در توسعه؛ به ویژه توسعه روستایی و تأثیر منتخبان بر آینده خودشان آگاه ترند؛ اما خانوارهای روستایی کمتر توسعه یافته، آگاهی و انگیزه کمتری جهت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری دارند. همانطور که دیده شد در شاخص «انتخابات شورای اسلامی روستا» ارتباط معنادار قابل ملاحظه ای مشاهده نمی شود و حتی مشارکت روستاهای کمتر توسعه یافته را تا حدودی بالاتر از روستاهای بیشتر توسعه یافته نشان می دهد؛ دلیل آن واضح است؛ زیرا هنوز نظام قبیله ای و ریش سفیدی در میان روستاهای توسعه نیافته، حاکم است و معمولاً مردم به جهت حمایت از کاندیداهایی که ارتباط سببی و نسبی یا طایفه ای با آنها دارند برای آمدن به پای صندوق رأی، ترغیب می شوند که این وضعیت در مناطق بیشتر توسعه یافته، کمتر ملموس است.

درستی تحلیل فرضیه های اول و دوم در نتایج فرضیه سوم، بیشتر نمایان می شود؛ چنان که نتایج این فرضیه نشان می دهد، خانوارهای گروه روستاهای بیشتر توسعه یافته، دارای مشارکت بالاتری نسبت به گروه روستاهای کمتر توسعه یافته (توسعه نیافته) هستند و این نتیجه، دور از انتظار نیست؛ زیرا خانوارهای روستاهای بیشتر توسعه یافته، قدرت مالی افزون تری دارند؛ بنابراین، انتظار می رود که توانایی مشارکت بیشتری در امور چون: «ساخت بناهای عمومی»، «ایجاد خدمات زیربنایی» و «حل مشکلات بهداشتی و درمانی» نسبت به روستاهای کمتر توسعه یافته داشته باشند. داده های پژوهش، نشان می دهد که ساکنان روستاهای بیشتر توسعه یافته، انگیزه و ظرفیت افزون تری برای مشارکت در امور اجرایی جامعه خود دارند و این امر نیز موجب توسعه یافتگی بیشتر آن جامعه می شود؛ به عبارتی، این وضعیت از یک روند سیکل وار تبعیت می کند.

## پیشنهادات

- با توجه به نقاط مثبت مشارکت های سنتی و بهره گیری از این توانایی ها می توان در جهت افزایش مشارکت روستاییان گام برداشت؛ لذا شناخت مشارکت های سنتی و عرفی در مناطق مختلف



شهرستان‌های تحت مطالعه و بهره‌گیری از دانش بومی روستاییان، در جهت اهداف مشارکتی جدید توسط برنامه‌ریزان این مناطق پیشنهاد می‌شود.

- در سال‌های اخیر، روستای شباب در مسیر ارتباطی ایلام - کرمانشاه قرار گرفته و زمینه برای ابتکار و مشارکت مردم فراهم شده است؛ چنان‌که مردم این روستا با عرضه تولیدات محلی؛ مانند فراورده‌های گوشتی و دامی، باعث رونق گردشگری در این روستا شده‌اند و با کسب تخصص در این زمینه و راه‌اندازی کبابی‌های فراوان، زمینه جذب گردشگران و مسافران بیشتری را فراهم نموده و منافع اقتصادی زیادی را نصیب مردم روستا کرده‌اند. این امر می‌تواند با برنامه‌ریزی و کار کارشناسی، به عنوان الگویی مناسب برای توسعه روستایی و مشارکت‌های مردمی در سایر روستاها مورد نظر قرار گیرد.

- از آنجا که روستاهای خوب دراز میرزاییگی و چشمه‌پهن از توسعه یافتگی کمتری نسبت به دیگر روستاهای دو شهرستان برخوردارند و کمبود بازارچه‌های محلی نیز بر سر راه گردشگران و مسافران، به وضوح احساس می‌شود؛ می‌توان روستاییان را برای تشکیل چنین بازارچه‌هایی، جهت فروش محصولات کشاورزی محلی؛ مانند: ترب سفید، گوجه محلی، گرمک و تولیدات باغی و ... ترغیب نمود و مشارکت داد تا از این طریق، سرمایه مالی قابل توجهی نصیب آنها گردد.

- با توجه به اینکه روستای چشمه‌خزانه بر سر راه ارتباطی روستاهای سراب، قنات آباد و چشمه‌پهن قرار گرفته است، از زمینه مناسبی جهت توسعه روستایی برخوردار می‌باشد؛ ولی متأسفانه، انگیزه مشارکت در میان مردمان این روستا پایین است. توصیه می‌شود با مشارکت و برنامه‌ریزی دهیاری و شورای روستا و مشارکت مالی مردم، از طریق روی هم گذاشتن سرمایه‌های خرد آنان، زمینه تأسیس صنایع کوچک روستایی و صنایع تبدیلی و تکمیلی وابسته به کشاورزی را فراهم کرد و امکان توسعه بیشتر و اشتغال مشارکتی جوانان بیکار روستا را فراهم نمود.

- لزوم حمایت دولت از نهادهای مشارکتی و تلاش برای ایجاد زمینه ظهور نهادهای مشارکتی جدیدتر، کاملاً احساس می‌شود؛ مثلاً در روستایی مانند چشمه‌خزانه که هیچ نهاد مشارکتی‌ای در آنجا وجود ندارد، می‌توان با ایجاد کانون گردهمایی در بین روستاییان، وفاق و همبستگی بیشتری به وجود آورد که این امر، تعامل و همکاری بین آنها را تقویت می‌کند.

- ایجاد صندوق‌های اعتباری و قرض‌الحسنه روستایی؛ ضمن اینکه تا حدودی، بهبود وضعیت اقتصادی خانوارهای روستایی دو شهرستان تحت مطالعه را به دنبال دارد، زمینه‌های مشارکت پویا و فعال را نیز فراهم می‌کند.

- روحیه همکاری و تعاون بین اقوام و طوایف مختلف دو شهرستان مورد نظر، در راستای جلب مشارکت‌های مردمی تقویت شود.

- در رفع موانع سیاسی و اجرایی موجود بر سر راه مشارکت، دادن اختیار به مردم محلی و



سطوح پایین اجتماع در زمینه‌های مدیریت محلی روستایی؛ به‌ویژه برگزیدگان در شورای اسلامی روستا و نیز دهیاران؛ به‌خصوص در روستاهای چشمه‌خزانه و چشمه‌پهن ضروری است.

- توصیه‌ها و پیشنهادهایی که نسبت به روستاهای نمونه ارائه شد، می‌تواند در مورد سایر روستاهای کمتر توسعه‌یافته (توسعه‌نیافته) در دو شهرستان مورد مطالعه نیز مد نظر قرار گیرد؛ یعنی به برنامه‌ریزی و ترغیب مردم در امر مشارکت در روستاهای دیگر نیز اهمیت داده شود.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری؛ (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۷۵ - ۲۰۵.
- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن؛ (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودزاد، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی؛ (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: سمت.
- خانی، فاضله؛ (۱۳۷۵)، جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- رستمی، کاظم؛ (۱۳۸۳)، نقش شرکت‌های مردمی در توسعه روستایی، با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید (مطالعه موردی: بخش فلارد شهرستان لردگان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رضوانی، محمدرضا؛ (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.
- سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام؛ (۱۳۹۳)، مرکز آمار و اطلاعات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام؛ (۱۳۹۲)، مرکز سیستم اطلاعات جغرافیایی.
- سعیدی، محمدرضا؛ (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
- شاکری کناری، هادی؛ (۱۳۸۰)، نقش مشارکت جوانان در فرایند توسعه روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- شکوری، علی؛ (۱۳۷۸)، «پژوهشی در توسعه و مشارکت در روستاهای برگزیده استان آذربایجان شرقی»، پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره ۳۷، ۸۹ - ۱۰۴.
- فرهادی، مرتضی؛ (۱۳۶۹)، «انواع خودیاری و گونه‌آمیزی‌های آن»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵، ۴۴ - ۴۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش، شماره ۱.
- محمدی سلیمانی، مهرداد؛ (۱۳۸۰)، مشارکت نوجوانان و جوانان روستایی در برنامه‌های توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مرکز آمار ایران؛ (۱۳۸۵)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، شناسنامه آبادی‌ها، <http://www.amar.org.ir>
- مرکز آمار ایران؛ (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، شناسنامه آبادی‌ها، <http://amar.org.ir/census>.
- مرکز تحقیقات اقتصاد ایران؛ (۱۳۸۱)، «نظام برنامه‌ریزی و توسعه»، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۲۳۵ - ۲۶۳.
- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسین و دیگران؛ (۱۳۸۸)، «مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۷۰، ۱۱۱ - ۱۲۶.
- همتی، تورج؛ (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی در آموزش زیست‌محیطی و موانع مشارکت مردم در حفاظت



از محیط زیست استان ایلام»، طرح پژوهشی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام.

(ب) انگلیسی

- Agwu, A.E. (2005), «Rural Peoples Attitude towards Participation in Development Project, A study of NGWO community in Enugu State», Journal of Rural Development, Vol. 24, No. 2, p.272.
- Fukuyama, F. (1999), The Great Disruption. Human Nature and the Reconstitution of Social Order, london, Profile Books.
- Helly, Denise. (1997), «voluntary and social participation by people of Immigrant origin: overview of Canadian Research», Second National Metropolis Conference, Immigrants and Civic Participation: Contemporary Policy and Research Issues, Montreal.
- Loomis, T.M. (2000), «Indigenous populations and sustainable development: Building on indigenous Approaches to holistic, self-determined development», World Development, 28, PP.910-893.
- Michener, V. (1998) «the participatory approach: contradiction and co-option in Burkina Faso», WorldDevelopment, 12) 26), PP. 2118-2105.

